

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مسخره کردن حقیقت و احکام آن و موضع گیری مؤمن در برابر آن

مؤلف: فاطمه آل جمیل الشهرانی

ترجمه: پدرام اندایش

نام کتاب: مسخره کردن حقیقت و احکام آن و موضع گیری مؤمن در برابر آن

مؤلف: فاطمه آل جمیل الشهرانی

ترجمه و تخریج احادیث: پدram اندایش

ناشر: بوکان - انتشارات

نوبت چاپ: اول - پاییز ۱۳۹۶

چاپ: بوکان - رامان

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ریال

کلیه حقوق چاپ و نشر برای مؤلف محفوظ است.

مسخره کردن حقیقت و احکام آن و موضع گیری مؤمن در برابر آن

شکر و ستایش برای الله یکتا می باشد و صلوات و سلام بر کسی که پیامبری بعد از او نخواهد بود، اما بعد:

مسخره کردن از اخلاق نکوهیده ای می باشد که دین ما را از آن برحذر داشته است و به انواع مختلف برای انجام دهنده ی آن تهدید آورده است. برای همین بعضی از اموری را بیان داشته ام که باعث به وجود آمدن این اخلاق می شود و احکام آن را نیز آورده ام و بدین شرح می باشند:

اول: تعریف استهزاء (مسخره کردن):

فیروز آبادی گفته است: «هزأ منه» و «هزأ به» «هزأاً» و «هزؤاً» و «مهزأة» معنای مسخره کردن می دهد.

أخفش نیز گفته است: «سخرت منه» و «سخرت به» و «ضحکت منه» و «ضحکت به» و «هزئت منه» و «هزئت به» و هر چه که گفته شود از اسم «السخرية» می باشد.

پس استهزاء در کلام به معنای مسخره کردن، کوچک نمودن و سبک شمردن می‌باشد.
دوم: اهمیت زبان:

برای مسخره نمودن، وسایل متعددی وجود دارد، از آنها ایراد گرفتن با چشم، بیرون کردن و تکان دادن چشمها می‌باشد، ولی خطرناک‌ترین وسیله‌ی آن و بیشترین چیزی که توسط آن مسخره کردن صورت می‌گیرد، همان زبان است، این در حالی است که دین پاک به حفظ زبان و توجه به آن تشویق نموده است و بر واجب بودن مراقبه‌ی آن و توجه به آن چیزی که شخص می‌گوید، توجه خاصی دارد.

الله سبحانه می‌فرماید: ﴿مَا يَلْفِظُ مِنْ قَوْلٍ إِلَّا لَدَيْهِ رَقِيبٌ عَتِيدٌ﴾ [ق: ۱۸] (سخنی را به زبان نمی‌آورد، مگر آن که نزد او نگهبانی حاضر وجود دارد).

قرطبی گفته است: به این معنا که شخص چیزی را نمی‌گوید، مگر آن که برای او نوشته می‌شود.

مجاهد نیز گفته است: برای انسان هر چیزی نوشته می‌شود، حتی ناله کردن در هنگام بیماری.

ابوهریره رضی الله عنه از پیامبر صلی الله علیه و آله آورده است: «من كان يؤمن بالله واليوم الآخر فليقل خيراً أو ليسكت» (کسی که به الله و آخرت ایمان دارد، سخن خیر بگوید، و اگر نه ساکت شود). [متفق علیه].

امام نووی گفته است: «این بیان آشکاری است که نشان می‌دهد، شایسته است تا سخنی گفته نشود، مگر سخن خیر و در این زمانی است که مصلحت وجود داشته باشد و وقتی شکی بر این باشد که [سخن گفتن] مصلحت نمی‌باشد، باید سکوت نمود».

سهل بن سعد رضی الله عنه از رسول الله صلی الله علیه و آله آورده است: «من يضمن لى ما بين لحييه وما بين رجليه أضمن له الجنة» (کسی که برای من آنچه بین ریش و سبیل او است و آنچه که بین دو پایش است را تضمین کند، من برای او بهشت را تضمین می‌کنم). [متفق علیه]

ابوهریره رضی الله عنه از پیامبر صلی الله علیه و آله آورده است: «إِنَّ الْعَبْدَ لِيَتَكَلَّمَ بِالْكَلِمَةِ مَا يَتَّبِعُ مَا فِيهَا يَزُلُّ بِهَا إِلَى النَّارِ أَوْ إِلَى الْبَيْتِ الْمَقَامِ وَمَا بَيْنَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ» (بنده کلمه‌ای را می‌گوید، در حالی که در آن نمی‌اندیشد، و در این صورت است که توسط آن در آتش جهنم می‌غزد به طوری که فاصله‌ی آن بیشتر از فاصله‌ی مشرق تا مغرب است). [متفق علیه]

همچنین ابوهریره رضی الله عنه از پیامبر صلی الله علیه و آله آورده است: «وإِنَّ الْعَبْدَ لِيَتَكَلَّمَ بِالْكَلِمَةِ مِنْ سَخَطِ اللَّهِ تَعَالَى، لَا يُلْقِي لَهَا بِالْأَلْفِ يَهُوِي بِهَا فِي جَهَنَّمَ» (بنده کلمه‌ای را می‌گوید که توسط آن الله تعالی خشمگین می‌شود و توجهی به آن نمی‌کند و این باعث می‌شود که در جهنم فرو غلطد).

آن فقط یک کلمه است که مورد رضایت الله تعالی نمی‌باشد و آینده‌ی آخرتی انسان را ویران می‌کند و کوه‌های نیکی‌هایی را که انجام داده است، بر باد می‌دهد و حتی گاهی

او را در صف مرتدان از دین قرار می‌دهد، پس پناه بر الله از آنچه که خواهد آمد.

این دلایل مقدمه‌ای بر حفظ زبان از تمامی آنچه که برای آن حلال نمی‌باشد، بود. دلایلی وجود دارد که مخصوص حفظ زبان و دیگر جوارح از بیماری مسخره کردن دلالت می‌کنند. برای روشن کردن این امر با یک آیه همراه می‌شویم، آنجا که الله تعالی می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرُ قَوْمٌ مِّنْ قَوْمٍ عَسَىٰ أَن يَكُونُوا خَيْرًا مِنْهُمْ وَلَا نِسَاءٌ مِّنْ نِّسَاءٍ عَسَىٰ أَن يَكُنَّ خَيْرًا مِنْهُنَّ وَلَا تَلْمِزُوا أَنْفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَزُوا بِاللُّغَابِ بِسْمِ الْأِسْمِ الْفُسُوقِ بَعْدَ الْإِيمَانِ وَمَن لَّمْ يَتُبْ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ﴾ [الحجرات: ۱۱] (ای کسانی که ایمان آورده‌اید! قومی از شما قومی دیگر را مسخره نکند، چه بسا که [آن قوم] بهتر از آنها باشند و زنانی، زنانی را مسخره نکنند که چه بسا [آن زنان] بهتر از آنان باشند و از یکدیگر عیب‌جویی نکنید و یکدیگر را با لقب‌های [زشت] خطاب قرار ندهید، چه بد است فسق بعد از ایمان و کسی که توبه ننماید، از ستمگران می‌باشد).

در اینجا الله جل و علا از این که مسلمانی برادر خودش را مسخره کند، نهی فرموده است و در تعبیر قرآنی لشگر مؤمنان را صدا زده است که از این عمل نکوهیده، خودداری کنند و همچنین در آن به صورت غیر آشکار بیان داشته است که منزلتی که مردان و زنان برای خود احساس می‌کنند، منزلتی حقیقی نیست که مردم برای خود در نظر می‌گیرند. و چه بسا که ارزش‌های دیگری وجود دارد که از آنها پنهان مانده است و فقط الله تعالی آنها را می‌داند و توسط آن اعمال بندگان را می‌سنجد. گاهی مردی ثروتمند، مردی فقیر را مسخره می‌کند و گاهی مردی قوی مردی ضعیف را مورد مسخره قرار می‌دهد، همچنین مردی سالم از مردی آفت زده و مردی باهوش، مردی کند ذهن و صاحب فرزند، شخص عقیم و دارای خاندان، یتیم را مسخره می‌کند، همچنین زن زیبا، زن زشت و زن جوان، زن پیر و زنی خوش اندام، زنی از قیافه افتاده و زنی ثروتمند، زنی فقیر را مورد مسخره قرار می‌دهند. ولی در واقع این گونه است که این موارد و

امثال آن ارزشهای زمینی بوده و الله تعالی توسط آن انسانها را ارزش گذاری نمی نماید و با ارزش های دیگری مردم را بالا می برد و یا پایین می آورد: «عَسَى أَنْ يَكُونُوا خَيْرًا مِنْهُمْ» و «عَسَى أَنْ يَكُنَّ خَيْرًا مِنْهُمْ» (و چه بسا که از آنان بهتر باشند).

در اینجا است که چیز دیگری برای ارزش گذاری وجود دارد و الله تعالی آن را دانسته و توسط آن بالا می برد و پایین می آورد و دلیل آن این سخن پیامبر ﷺ می باشد: «إِنَّ اللَّهَ لَا يَنْظُرُ إِلَى صُورِكُمْ وَأَمْوَالِكُمْ، وَلَكِنْ يَنْظُرُ إِلَى قُلُوبِكُمْ وَأَعْمَالِكُمْ» (الله [تعالی] به صورتهایتان و اموالتان نمی نگرد، بلکه به قلبهایتان و اعمالتان می نگرد).

باید توجهی خاص به این سخن الله تعالی داشته باشیم: «وَلَا نِسَاءً مِنْ نِسَاءٍ» (و نه زنانی زنان دیگر را) پس برای چه الله تعالی زنان را به طور خاص بیان داشته است و این در حالی است که همان متن اول یعنی: «لَا يَسْخَرُ قَوْمٌ مِنْ قَوْمٍ»

(قومی از شما قومی دیگر را مسخره نکند!) نهی از مسخره کردن هم شامل مردان می‌شود و هم شامل زنان؟
قرطبی رحمه الله گفته است: زنان را جداگانه آورده است، زیرا مسخره کردن در بین آنها بیشتر می‌باشد.

بله، قسم به الله، این همان چیزی است که ما در واقعیت آن را مشاهده می‌کنیم و زنانی که زنانی دیگر را مسخره می‌کنند بیشتر می‌باشند و همدیگر را در کوچکترین مسائل و حقیرترین آنها مسخره می‌کنند.

در سنن ترمذی آمده است که عایشه رضی الله عنها گفت: ای رسول الله! صفیه زنی است که این گونه می‌باشد و با دستش به شکلی اشاره نموده که معنای آن این بود که قد او کوتاه است، پیامبر ﷺ فرمود: «لقد قلت كلمة لو مزج بها البحر لمزج» (سخنی را به زبان آوردی که اگر با دریا مخلوط شود، آن را فاسد می‌کند).

او سخنی نگفت، بلکه فقط با دستش اشاره کرد و منظور او این بود که آن زن کوتاه قامت می‌باشد و همین اشاره اگر با دریا آمیخته می‌شد، آن را فاسد می‌کرد و حالت آن را تغییر می‌داد، حال وضع کسی که امور بزرگتر را مسخره و شوخی می‌گیرد، چه می‌باشد؟

سوم: اموری که باعث ایجاد مسخره کردن و یا از بین بردن آن می‌شود:

مسائل بسیاری وجود دارد که باعث ایجاد مسخره کردن و یا از بین بردن آن می‌شود و این موارد بدین قرار است:

۱- ضعیف بود ایمان به الله تعالی: آن دلیل اصلی مسخره کردن می‌باشد، زیرا ضعیف بودن ایمان انسان را به سوی مرتکب شدن به گناهان و خطاها سوق می‌دهد و از آن گناهان، مسخره کردن دیگران یا شوخی گرفتن آیات الله تعالی و دین او می‌باشد و امکان ندارد که مؤمنی که دارای ایمان

قوی است و ایمان او کامل می‌باشد، دچار مسخره کردن و دیگر گناهان شود.

۲- نشستن در مجالس سوء و معاشرت با دوستان بد: آن دلیل بسیاری از گناهان زبانی است، گناهانی مانند دشنام دادن، غیبت، خبرچینی و مسخره کردن دیگران. زیرا همشنین انسان را به سوی خود می‌کشد و سرشت‌ها دزدیده می‌شوند.

۳- بد آمدن و کینه داشتن نسبت به دیگران: به طور مثال اگر زنی از زن دیگری بدش بیاید و یا از او کینه داشته باشد، او را این گونه می‌بینید که آن زن دیگر را کوچک و حقیر می‌شمارد و کوشش می‌کند تا در هر جایی به او اهانت کند و این دلیلی ندارد، مگر سیاه بودن قلبش و پُر بودن آن از کینه و بغض نسبت به دیگران، زیرا کینه و حسادت انسان را کور و کر می‌نمایند.

حسدوا الفتی إذ لم ینالوا سعبه فالکل أعداء له وخصوم
کضرائر الحسناء قلن لوجهها لما تبدی لهن أنت ذمیم

۴- بی‌کاری و دوست داشتن خندیدن به دیگران: وقتی انسان هدفی که برای آن به این دنیا آمده است را از دست دهد، همان هدفی که عبادت الله یکتا می‌بی‌شریک است: ﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ﴾ [الذاریات: ۵۶] (و جن‌ها و انسانها را نیافریدیم مگر برای آن که مرا پرستش و بندگی کنند)، وقتی انسان این هدف را فراموش می‌کند، به سرعت به سراغ راه‌های شیطان می‌رود، تا در عوض این بی‌هدفی برای وی مشغولیت ایجاد شود و کوشش می‌کند تا جای خالی آن را پُر کند و گاهی این عمل با لذت بردن از خندیدن و مسخره کردن دیگران و شوخی گرفتن آفرینش و اعمال آنها، انجام می‌پذیرد. رسول ﷺ به شدت از این امر بر حذر داشته است و فرموده است: «ویل للذی يحدث فيكذب ليضحك القوم ويل له ويل له» (وای بر کسی که برای خنداندن گروهی، سخنی دروغ بگوید، وای بر او! وای بر او!) [أحمد در المسند و ترمذی و أبوداود].

همچنین وی ﷺ فرموده است: «إن الرجل ليتكلم بالكلمة ليضحك بها جلساؤه يهوى بها عن أبعد من الثريا» (مردی

است که سخنی را می‌گوید تا همنشیانش را بخنداند و توسط آن [در آتش جهنم] آنچنان انداخته می‌شود که از ستاره‌ی پروین دورتر است. [أحمد در المسند].

همچنین وی علیه السلام فرموده است: «إِنَّ الرَّجُلَ لَتَكَلِّمَ بِالْكَلِمَةِ مِنْ سَخَطِ اللَّهِ تَعَالَى مَا يَظُنُّ أَنْ تَبْلُغَ مَا بَلَغَتْ فَيَكْتَبُ اللَّهُ عَلَيْهِ بِهَا سَخَطَهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ» (مردی است که سخنی را به زبان می‌آورد که موجب خشم الله تعالی می‌شود و این در حالی است که نمی‌پندارد، آن [سخن] او را به [خشم الله تعالی] برساند، مگر آن که او علیه السلام وی را تا روز قیامت مورد خشم خود قرار می‌دهد). [أحمد در المسند و ابن ماجه و آل‌بانی آن را صحیح دانسته است].

ای عبارات واقعیتهای عملی از مردم را به تصویر می‌کشند که آنها وقت خود را در قیل و قال و خندیدن به دیگران و مسخره کردن آنها تلف می‌کنند و چه بسیار افرادی هستند که برای خندیدن، دچار خشم الله تعالی می‌شوند.

۵- تکبر و شگفت زده شدن از خود: خود بزرگ بینی و نگرستن به دیگران به دیده‌ی خواری و حقارت، همان چیزی است که از اخلاق فرعون [که خبیث‌ترین کسی است که اوصاف او در قرآن آمده است] می‌باشد، الله تعالی از زبان او می‌فرماید: ﴿أَمْ أَنَا خَيْرٌ مِنْ هَذَا الَّذِي هُوَ مَهِينٌ وَلَا يَكَادُ يُبِينُ﴾ [الزخرف: ۵۲] (آیا من بهتر از این شخصی نیستم که خوار می‌باشد و به راحتی صحبت نمی‌کند)، در اینجا فرعون خودش را بزرگتر از موسی عليه السلام دید و بر او تکبر نمود و از روی دروغ و افترا ادعا کرد که موسی عليه السلام شخصی خوار می‌باشد و با فصاحت سخن نمی‌گوید و هنری در سخنرانی ندارد. به علت این خود بالا بینی و حقیر شمردن دیگران، مستوجب مجازات، محرومیت و خواری گشت و اگر انسان این گونه عمل نماید، ممکن است که آن بلایی که سر فرعون آمد، بر وی نیز نازل شود. پناه بر الله.

علامه ابن کثیر گفته است: «این سخنی است که فرعون الله او لعنت کند، آن را از روی دروغ و افترا به زبان آورد و این فقط از روی کفر و عنادش بود. او به موسی عليه السلام به مانند

کافری بدبخت می‌نگریست و این در حالی بود که موسی علیه السلام دارای جلال، بزرگی و ارزشی بود که چشم‌های صاحبان خرد را خیره می‌نمود و سخن او: «مَهِين» (خوار) دروغی بیش نبود، بلکه خودش خوار و حقیر در اخلاق و دین بود و موسی علیه السلام مردی شریف، سرور، راستگو، باارزش و راه یافته بود».

دوست داشتن مطرح شدن، ریا و خودنمایی در مقابل دیگران اخلاق افرادی است که مسخره می‌نمایند و دارای درونهای مریض می‌باشند. آنها به مانند علف‌های هرزه و ضررداری هستند که به درختان بلند و میوه‌های پاک می‌چسبند و ظاهر آنها را زشت نشان می‌دهند.

چهارم: انواع مسخره کردن و حکم هر کدام از آنها:

مسخره کردن دارای انواع گوناگونی است و به همین دلیل حکم دین برای هر کدام از آنها فرق می‌کند.

نوع اول: مسخره کردن الله تعالی و آیاتش و فرستاده‌اش ﷺ:

کسی که مرتکب چنین نوعی از مسخره کردن شود، بر طبق عبارت آشکاری که در آیه‌ای که خواهد آمد، کافر است، چه هدف از این مسخره کردن کفر باشد و چه هدفی دیگر در آن وجود داشته باشد و چه برای شوخی باشد و چه با جدیت بیان شود، آن آیه این سخن الله سبحانه و تعالی می‌باشد: ﴿وَلَئِنْ سَأَلْتَهُمْ لَيَقُولُنَّ إِنَّمَا كُنَّا نَخُوضُ وَنَلْعَبُ قُلْ أَبِاللَّهِ وَآيَاتِهِ وَرَسُولِهِ كُنْتُمْ تَسْتَهْزِئُونَ * لَا تَعْتَذِرُوا قَدْ كَفَرْتُمْ بَعْدَ إِيمَانِكُمْ﴾ [التوبة: ۶۵-۶۶] (و اگر از آنها بپرسی خواهند گفت که ما فقط شوخی و بازی می‌کردیم. بگو: آیا الله و آیاتش و فرستاده‌اش را مسخره می‌نمایید * عذری نیاورید، همانا بعد از ایمانتان کافر شده‌اید).

سبب نزول این آیه: بر اساس آنچه ابن جریر طبری در تفسیرش و ابن ابی حاتم از ابن عمر رضی الله عنهما آورده‌اند: مردی در غزوه‌ی تبوک در جمعی گفت: به مانند این قاریان ما

کسی را ندیده‌ایم، دارای شکمهای پُر خور هستند و زبان به دروغ نمی‌کشایند و هنگام برخورد [با دشمن] نمی‌ترسند.

مردی در آن جمع به او گفت: دروغ گفتی و تو منافق هستی. این ماجرا به رسول الله ﷺ رسید و در همان هنگام قرآن نازل شد. عبدالله بن عمر رضی الله عنهما گفته است: او را در حالی دیدم که به بند پالان بند شتر رسول الله ﷺ آویزان شده بود و سنگها او را خون آلود نموده بود. او گفت: ای رسول الله! ما فقط شوخی می‌کردیم و بازی می‌نمودیم. رسول الله ﷺ فرمود: «أبالله وآياته ورسوله كنتم تستهزئون لا تعتذروا قد كفرتم بعد إيمانكم» (آیا الله و آیاتش و فرستاده‌اش را مسخره می‌کنید، عذری نیاورید که بعد از ایمانتان کافر شدید).

ابن تیمیه رحمه الله گفته است: «مسخره کردن الله، آیاتش و رسولش کفر می‌باشد و انجام دهنده‌ی آن را بعد از ایمانش کافر می‌گرداند». [مجموع الفتاوی [۲۷۳/۷].

ابن قدامه مقدسی گفته است: «کسی که الله تعالی دشنام دهد، کافر شده است و یکسان است که [این دشنام دادن] از روی شوخی باشد و یا جدی. همچنین کسی که الله تعالی را یا آیاتش یا کتابهایش را مسخره کند نیز حکم او این چنین است. الله تعالی می فرماید: ﴿وَلَئِنْ سَأَلْتَهُمْ لَيَقُولُنَّ إِنَّمَا كُنَّا نَخُوضُ وَنَلْعَبُ﴾ (و اگر از آنها سوال کنی خواهند گفت: ما فقط شوخی و بازی می کردیم). شایسته نیست تا مسخره کننده را به علت اسلامش، رها کنیم، بلکه باید به شدت ادب شود تا این ادب کردن او را از این کار باز دارد».

شیخ عبدالرحمن بن سعدی رحمه الله نیز گفته است: «مسخره کردن الله و رسولش کفر می باشد و شخص را از دین خارج می گرداند، زیرا اصل دین بر اساس بزرگداشت الله تعالی و بزرگداشت دین و رسولش می باشد و مسخره کردن چیزی از آن با این اصل منافات دارد و به شدیدترین شکل با آن تناقض دارد».

نوع دوم: مسخره کردن صحابه‌ی رسول الله ﷺ

آن با ایراد وارد کردن بر آنها و طعنه زدن به آنها و یا لقب زشت به آنها دادن، ایجاد می‌گردد.

ابن عثیمین رحمه الله گفته است: «از اینجا فهمیده می‌شود که کسی که به أصحاب رسول الله ﷺ دشنام دهد، کافر است، زیرا طعنه وارد کردن به آنها، طعنه وارد کردن به الله و فرستاده‌اش ﷺ و دین او می‌باشد».

نوع سوم: مسخره کردن صالحان:

عده‌ای زیادی از مردم از مسخره کردن صالحان لذت می‌برند، صالحانی مثل علماء یا دعوت‌گران یا عابدان یا مجاهدان یا هر کس دیگری که به سنت و هدایت پیامبر ﷺ تمسک بجوید. آنان نکات و سخنانی را به آنها نسبت می‌دهند و چیزهایی مثل ریش یا لباس کوتاه یا حجاب زن و جامه‌ی گشاد پوشیدن او را به شوخی می‌گیرند و در این کار آنان خطر بزرگی وجود دارد که در بعد آن را بیان خواهیم نمود.

شیخ ابن باز یرحمه الله گفته است: «کسی که اهل دین و کسانی که از نماز خود مراقبت می‌کنند را به علت دینشان یا مراقبت آنها از آن، مسخره نماید، به مانند مسخره کنندگان دین می‌باشد، و جایز نیست تا با آنها همنشینی و مجالست شود، بلکه واجب است تا این عمل آنها زشت شمرده و از آن، آنها را برحذر داشت و از همنشینی او خودداری نمود و کسانی که با مسائل دینی به دیده‌ی شوخی و استهزاء می‌نگرند به همین تعبیر کافر هستند».

از شیخ محمد بن صالح عثیمین رحمہ الله درباره‌ی حکم مسخره کردن اهل خیر و اصلاح سوال شد، او جواب داد: «کسانی که متعهدان به دین الله تعالی و عمل کنندگان به دین او را مسخره نمایند، در آنها نوعی نفاق وجود دارد. زیرا الله تعالی درباره‌ی منافقان می‌فرماید: ﴿الَّذِينَ يَلْمِزُونَ الْمُطَّوِّعِينَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ فِي الصَّدَقَاتِ وَالَّذِينَ لَا يَجِدُونَ إِلَّا جُهْدَهُمْ فَيَسْخَرُونَ مِنْهُمْ سَخِرَ اللَّهُ مِنْهُمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾ [التوبة: ۷۹] کسانی که از مؤمنانی که بیش از حد واجب صدقه می‌دهند و از

کسانی که چیزی جز کوشش خودشان نزدشان وجود ندارد، عیب می‌گیرند و آنها را مسخره می‌نمایند. الله [تعالی] آنان را مسخره می‌نماید و برای آنها عذابی دردناک خواهد بود). ولی اگر مسخره کردن آنان از روی اموری غیر دینی باشد و برای این نباشد که آنها از سنت تبعیت می‌کنند، چنین مسخره کنندگانی کافر نمی‌شوند، زیرا ممکن است انسان کسی را مسخره نماید، بدون آن که عمل و فعل او را در نظر بگیرد و این چنین افرادی نیز در معرض خطر بزرگی می‌باشند». [المجموع الثمین من فتاوی الشیخ ابن عثیمین [۶۵/۱].

نوع چهارم: مسخره کردن مردم به طور عمومی و لقب زشت به آنان دادن و شوخی گرفتن آنها و ایراد گرفتن از آفرینش و اعمال آنها:

این گناهی بزرگ است و از گناهان کبیره می‌باشد و دلیل آن این سخن الله تعالی است: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرُوا قَوْمٍ مِّنْ قَوْمٍ عَسَىٰ أَن يَكُونُوا خَيْرًا مِنْهُمْ وَلَا نِسَاءٌ مِّنْ نِّسَاءٍ

عَسَىٰ أَنْ يَكُنَّ خَيْرًا مِنْهُنَّ وَلَوْ تَلَمَّزُوا أُنْفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَزُوا بِالْأَلْقَابِ بِئْسَ الْأَسْمُ الْفُسُوقُ بَعْدَ الْإِيمَانِ وَمَنْ لَمْ يَتُبْ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ ﴿١١﴾ [الحجرات: ۱۱] (ای کسانی که ایمان آورده‌اید! قومی از شما قومی دیگر را مسخره نکند، چه بسا که [آن قوم] بهتر از آنها باشند و زنانی، زنانی را مسخره نکنند که چه بسا [آن زنان] بهتر از آنان باشند و از یکدیگر عیب جویی نکنید و یکدیگر را با لقب‌های [زشت] خطاب قرار ندهید، چه بد است فسق بعد از ایمان و کسی که توبه ننماید، از ستمگران می‌باشد).

الله تعالی در این آیه مؤمنان را از شوخی گرفتن و مسخره‌ی دیگران، نهی فرموده است و به شوخی گیرنده و مسخره کننده نسبت فسق بعد از ایمان و ستمگری داده است و البته این در صورتی است که به سوی الله سبحانه توبه نمایند.

همچنین شوخی گرفتن و مسخره کردن مردان و زنان مؤمن، باعث آزار آنها می‌شود و الله تعالی کسی که مؤمنی را بدون آن که مرتکب بدی شده باشد را آزار دهد را تهدید فرموده است. الله سبحانه و تعالی می‌فرماید: ﴿وَالَّذِينَ يُؤْذُونَ الْمُؤْمِنِينَ

وَالْمُؤْمِنَاتِ بَغَيْرِ مَا اكْتَسَبُوا فَقَدْ احْتَمَلُوا بُهْتَانًا وَإِثْمًا مُّبِينًا ﴿٥٨﴾ [الأحزاب: ۵۸] (و کسانی که مردان و زنان مؤمن را بدون آن که مرتکب کاری شده باشند، آزار دهند، همانا تهمت و گناه بزرگی را برای خود برداشته‌اند).

پیامبر ﷺ نیز فرموده است: «بحسب امری من الشر أن يحقر أخاه» (برای شرّ بودن شخص همین کافی است که برادر خود را تحقیر نماید) [رواه مسلم].

همچنین او ﷺ مسخره کننده را از این می‌ترساند که آنچه که مسخره شده بر سر وی آمده است را بر سر مسخره کننده بیاورد، همان گونه که فرموده است: «لا تظهر الشماتة لأخيك فيرحمه الله ويتلىك» (خوشحالی خودت را از غمگین شدن برادرت آشکار نکن که الله او را مورد رحمت قرار می‌دهد و تو را [به مشکل او] مبتلا می‌سازد). [ترمذی و گفته است: این حدیث حسن است].

پنجم: عاقبت و مجازات مسخره کننده:

الله تعالی می فرماید: ﴿أَفَنَجْعَلُ الْمُسْلِمِينَ كَالْمُجْرِمِينَ﴾ * مَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ﴾ [القلم: ۳۵-۳۶] (آیا مسلمانان را به مانند مجرمان قرار دهیم؟ * شما را چه شده است، چگونه حکم می- کنید؟).

همچنین الله سبحانه می فرماید: ﴿إِنَّ الَّذِينَ يُحَادُّونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ فِي الْأَذَلِّينَ﴾ * كَتَبَ اللَّهُ لَأَعْلَبَنَّ أَنَا وَرُسُلِي إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ﴾ [المجادلة: ۲۰-۲۱] (کسانی که با الله و فرستاده اش مبارزه می کنند، آنان ذلیل ترین افراد خواهد بود * الله [تعالی در تقدیر این گونه] نوشته است که من و فرستادگان غالب می شویم. همانا الله قوی و بسیار باعزت است).

در خلال بیان این موضوع، آیات بزرگی را آورده ام که در کتاب الله تعالی وجود دارد و الله سبحانه در آنها مجازات مسخره کنندگان و عذاب دردناکی را که بر آنها محیط خواهد بود را بیان فرموده است، امر بزرگی که سینه ها از بیان آنها پاره پاره می گردد و از ترس آن، دلها خالی می گردد.

- رسوایی در دنیا و عذاب در آخرت.
- هلاکت و ویرانی در آینده‌ی نزدیک.
- عذابی باقی در آینده‌ای دور.

قوم نوح علیه السلام وی را مسخره نمودند و الله تعالی با غرق شدن در دنیا آنان را هلاک نمود و این در حالی است که عذاب آخرت شدیدتر و سخت‌تر خواهد بود، الله تعالی می‌فرماید: ﴿فَكَذَّبُوهُ فَأَنْجَيْنَاهُ وَالَّذِينَ مَعَهُ فِي الْفُلْكِ وَأَغْرَقْنَا الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا عَمِينَ﴾ [الأعراف: ۶۴] (پس او را تکذیب نمودند و او و کسانی که در کشتی بودند را نجات دادیم و کسانی را که آیات ما را تکذیب می‌نمودند، غرق کردیم، آنان گروهی کور [دل] بودند).

قوم هود علیه السلام نیز او را مسخره کردند و تکذیب نمودند و الله تعالی او را نجات داد و آن قوم را هلاک نمود. الله تعالی می‌فرماید: ﴿فَأَنْجَيْنَاهُ وَالَّذِينَ مَعَهُ بِرَحْمَةٍ مِنَّا وَقَطَّعْنَا دَابِرَ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَمَا كَانُوا مُؤْمِنِينَ﴾ [الأعراف: ۷۲] (او و کسانی

که همراه او بودند را از روی رحمت خودمان نجات دادیم و نسل کسانی را که آیات ما را تکذیب می نمودند و ایمان نمی آوردند را قطع کردیم)، همچنین الله تعالی می فرماید: ﴿وَلَمَّا جَاءَ أَمْرُنَا نَجَّيْنَا هُودًا وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ بِرَحْمَةٍ مِنَّا وَنَجَّيْنَاهُمْ مِنْ عَذَابٍ غَلِيظٍ * وَتِلْكَ آيَاتُ جَدِّدُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ وَعَصَوْا رُسُلَهُ وَاتَّبَعُوا أَمْرَ كُلِّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ * وَاتَّبِعُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا لَعْنَةً وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ أَلَا إِنَّ عَادًا كَفَرُوا رَبَّهُمْ أَلَا بُعْدًا لِعَادٍ قَوْمِ هُودٍ﴾ [هود: ۵۸-۶۰] (و وقتی امر ما [بر عذاب دادن] آمد، هود و کسانی که همراه او ایمان آورده بودند را از روی رحمت خودمان نجات دادیم و آنان را از عذابی بزرگ و سخت در امان داشتیم * و آن قوم عاد بودند که آیات پروردگارشان را انکار نمودند و از فرستادگان وی نافرمانی کردند و [در عوض] از امر هر زورگوی مستبدی تبعیت کردند * و در این دنیا و روز قیامت گرفتار لعنت شدند. آگاه باشید که قوم عاد به پروردگارشان کفر ورزیدند. آگاه باشید که نفرین بر عاد که قوم هود[علیه السلام] بودند وارد شد).

صالح علیه السلام نیز به سوی قوم ثمود رفت و آنها او را مسخره نمودند و تکذیب کردند و در پس آن الله تعالی او را نجات داد و قوم ثمود را هلاک کرد. الله تعالی می فرماید: ﴿فَأَخَذَتْهُمُ الرَّجْفَةُ فَأَصْبَحُوا فِي دَارِهِمْ جَاثِمِينَ﴾ [الأعراف: ۷۸] (پس زمین لرزه آنان را فراگرفت و در خانه هایشان زانو زده [هلاک] شدند).

لوط علیه السلام نیز به سوی قومش فرستاده شده و آنها او را مسخره کردند و گفتند: ﴿إِنَّهُمْ أَنَاسٌ يَتَطَهَّرُونَ﴾ (آنها کسانی هستند که می خواهند پاک باشند). در پس آن برای او و کسانی که همراه او ایمان آوردند، نجات حاصل شد و مسخره کنندگان و تکذیب کنندگان هلاک و ویران شدند. الله تعالی می فرماید: ﴿فَأَنْجَيْنَاهُ وَأَهْلَهُ إِلَّا امْرَأَتَهُ كَانَتْ مِنَ الْغَابِرِينَ * وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهِمْ مَطَرًا فَأَنْظَرُ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُجْرِمِينَ﴾ [الأعراف: ۸۳-۸۴] (پس او و خانواده اش را نجات دادیم، مگر همسرش را که از باقی ماندگان [در عذاب] گشت * و بر آنها بارانی [از سنگ] فرستادیم. ببین که عاقبت جرم کنندگان چگونه بوده است؟!).

همچنین الله سبحانه می فرماید: ﴿فَلَمَّا جَاءَ أَمْرُنَا جَعَلْنَا عَالِيَهَا سَافِلَهَا وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهَا حِجَارَةً مِنْ سِجِّيلٍ مَنْضُودٍ * مُسَوَّمَةً عِنْدَ رَبِّكَ وَمَا هِيَ مِنَ الظَّالِمِينَ بِبَعِيدٍ﴾ [هود: ۸۲-۸۳] (پس وقتی امر [عذاب ما] آمد، آنان را زیرورو نمودیم و بر آنها به طور پیاپی بارانی از سنگ گل فرود آوردیم * سنگ‌هایی که نزد پروردگارت نشان‌دار بودند و آن [باران سنگ] از ستمگران دور نمی‌باشد).

قوم شعیب علیه السلام نیز او را مسخره نمودند و به او گفتند: ﴿قَالُوا يَا شُعَيْبُ أَصْلَاطُكَ تَأْمُرُكَ أَنْ نَتْرُكَ مَا يَعْبُدُ آبَاؤُنَا أَوْ أَنْ نَفْعَلَ فِي أَمْوَالِنَا مَا نَشَاءُ إِنَّكَ لَأَنْتَ الْحَلِيمُ الرَّشِيدُ﴾ [هود: ۸۷] (گفتند: ای شعیب! آیا نماز تو به تو امر می‌کند تا [به ما امر کنی که] آنچه پدران ما آنان را عبادت می‌کرده‌اند را ترک کنیم [و] یا [به ما امر نمایی] که آنچه درباره‌ی مالهای خودمان است را هر طور که بخواهیم به کار گیریم [و کم فروشی و فریب در آن قرار می‌دهیم] را ترک کنیم. همانا تو بسیار بردبار و رشد یافته می‌باشی).

در پس آن الله تعالی آنها را هلاک نمود و وی را نجات داد،
 الله سبحانه می فرماید: ﴿فَأَخَذَتْهُمُ الرَّجْفَةُ فَأَصْبَحُوا فِي دَارِهِمْ
 جَاثِمِينَ * الَّذِينَ كَذَبُوا شُعَيْبًا كَأَن لَّمْ يَغْنَوْا فِيهَا الَّذِينَ كَذَبُوا
 شُعَيْبًا كَانُوا هُمُ الْخَاسِرِينَ﴾ [الأعراف: ۹۱-۹۲] (در نتیجه زمین
 لرزه‌ای آنان را فرا گرفت و در خانه‌هایشان زانو زده [هلاک]
 شدند * به گونه‌ای که گویی کسانی که شعیب را تکذیب نمودند،
 از قبل در آن نبودند. کسانی که شعیب را تکذیب نمودند از
 زیانکاران بودند).

همچنین الله سبحانه می فرماید: ﴿وَلَمَّا جَاءَ أَمْرُنَا نَجَّيْنَا شُعَيْبًا
 وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ بِرَحْمَةٍ مِنَّا وَأَخَذَتِ الَّذِينَ ظَلَمُوا الصَّيْحَةَ
 فَأَصْبَحُوا فِي دِيَارِهِمْ جَاثِمِينَ * كَأَن لَّمْ يَغْنَوْا فِيهَا أَلَا بُعْدًا
 لِّمَدَّيْنٍ كَمَا بَعْدَتْ ثُمُودُ﴾ [هود: ۹۴-۹۵] (و وقتی امر ما [برای
 عذاب] آمد، شعیب و کسانی که همراه او ایمان آورده بودند را از
 روی رحمت خودمان نجات دادیم و کسانی که ظلم می کردند را
 صدای بلندی فرا گرفت و در خانه‌هایشان زانو زده [هلاک] شدند

* این به مانند آن بود که در قبل در آن نبودند. آگاه باشید که لعنت بر اهل مدین می باشد، همان گونه که بر قوم ثمود بود).

قوم موسی علیه السلام نیز او را تکذیب نمودند و مسخره کردند و در پس آن الله تعالی او و کسانی که همراه او بودند را نجات داد و دشمن وی را هلاک نمود، الله تعالی می فرماید: ﴿فَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ أَنْ اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْبَحْرَ فَانْفَلَقَ فَكَانَ كُلُّ فِرْقٍ كَالطَّوْدِ الْعَظِيمِ * وَأَرْزَقْنَاهُ ثُمَّ الْآخَرِينَ * وَأَنْجَيْنَا مُوسَىٰ وَمَنْ مَعَهُ أَجْمَعِينَ * ثُمَّ أَغْرَقْنَا الْآخَرِينَ﴾ [الشعراء: ۶۳-۶۶] (و به موسی وحی نمودیم که عصایت را به آب بزن و در پس آن، آن [آب] شکافت و هر طرف آن به مانند کوهی بزرگ شد * و دیگران (فرعون و قومش) را به آن [شکاف] نزدیک آوردیم * و موسی و کسانی که همراه او بودند را همگی نجات دادیم * و بعد از آن دیگران (فرعون و قومش) را غرق نمودیم).

دشمنان رسول الله صلی الله علیه و آله او را مسخره کردند و تکذیبش نمودند و او را آزار دادند. ولی عاقبت نیک برای متقیان رقم خورد و

خواری، ننگ، آتش جهنم و هلاکت نصیب کسانی شد که مسخره می کردند و فساد برپا می نمودند و تکذیب می کردند.

در دنیا کشته شدند و نزد پروردگارتان دچار عذاب و آتش شدند که شعله های آن به اندازه ی قصرها بلند می باشند.

شیخ الإسلام ابن تیمیه رحمه الله درباره ی کسانی که رسول الله ﷺ و مؤمنانی که همراه او بودند را مسخره می کردند، گفته است: «ماجرای هلاک شدنِ تک تک آن مسخره کنندگان شناخته شده است و در کتب سیره و تفاسیر موجود می باشد. آنها برا اساس آنچه گفته شده است: تعدادی از سران قریش بودند به مانند ولید بن مغیره، عاص بن وائل، اسود بن مطلب، ابن عبد یغوث، حارث بن قیس و کسری پاره کننده ی نامه ی رسول الله ﷺ، آنان او را مسخره نمودند و الله تعالی بعد از مدت کوتاهی آنان را به قتل رساند. فرمانروایی آنان را پاره پاره نمود و اثری از خاندان آنها باقی نماند و این البته الله أعلم تحقیق یافتن این سخن الله تعالی می باشد: ﴿إِنْ شَأْنُكَ هُوَ

الْأُبْتَرُ» [الکوثر: ۳] (همانا دشمن تو بی خاندان خواهد بود) دم بریده)). تمامی کسانی که به او بدی کردند و با او دشمنی نمودند، الله تعالی آنان را بی خاندان نمود و چشمه و اثر آنها را از بین برد...».

سخن دیگری وجود دارد که [در زمانی که از علماء غیبت می شود، گفته می شود و آن این است که] «گوشت علماء مسموم است»، پس گوشت پیامبران چگونه خواهد بود؟! در صحیح از پیامبر ﷺ آمده است که الله تعالی می فرماید: «من عادى لى ولياً فقد اذى نفسه بالمحاربة» (کسی که با دوست من دشمنی کند، همانا به من اعلان جنگ کرده است). پس چگونه خواهد بود وضع و حال کسی که با پیامبران دشمنی می کند و با الله تعالی اعلان جنگ می نماید.

الله تعالی عاقبت کسانی که مؤمنان را مسخره می کنند، در روز قیامت این گونه بیان می فرماید: «قَالَ اخْسَئُوا فِيهَا وَلَا تُكَلِّمُونِ * إِنَّهُ كَانَ فَرِيقٌ مِّنْ عِبَادِي يَقُولُونَ رَبَّنَا آمَنَّا فَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ * فَاتَّخَذَتْهُمْ سَخِرِيًّا حَتَّى

أَنْسَوَكُمْ ذِكْرِي وَكُنْتُمْ مِنْهُمْ تَضْحَكُونَ * إِنِّي جَزَيْتُهُمُ الْيَوْمَ بِمَا صَبَرُوا أَنَّهُمْ هُمُ الْفَائِزُونَ ﴿[المؤمنون: ۱۰۸-۱۱۱]﴾ [الله تعالی به آنان] می‌فرماید: بتمرکید و با من سخن نگویید! * این گونه بود که گروهی از بندگان من می‌گفتند: پروردگارا ایمان آوردیم، پس ما را بیامرز و ما را مورد رحمت قرار بده و تو بهترین رحمت کنندگان می‌باشی * شما آنان را به مسخره گرفتید تا آن که یاد مرا فراموش نمودید و شما به آن می‌خندیدید * امروز به واسطه- ی صبری که نمودند به آنها پاداش می‌دهم و آنان همان کامیابان هستند). همچنین الله سبحانه می‌فرماید: ﴿فَقَدْ كَذَبُوا بِالْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُمْ فَسَوْفَ يَأْتِيهِمْ أَنْبَاءُ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ﴾ [الأنعام: ۵] (همانا حق را وقتی به آنها رسید، تکذیب نمودند و در نتیجه‌ی آن، خبر آنچه که مسخره می‌کردند، به سراغ آنها خواهد آمد).

مسخره کردن مردان و زنان مؤمن از شدیدترین انواع آزار آنها می‌باشد و به همین دلیل الله سبحانه کسانی را که مردان و زنان مؤمن را بدون آن که مرتکب جرمی شده باشند، آزار دهند

را مورد تهدید قرار داده است. الله سبحانه می فرماید: ﴿إِنَّ الَّذِينَ يُؤْذُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا مُهِينًا * وَالَّذِينَ يُؤْذُونَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بَغَيْرِ مَا اكْتَسَبُوا فَقَدْ احْتَمَلُوا بُهْتَانًا وَإِثْمًا مُبِينًا﴾ [الأحراب: ۵۷-۵۸]
(کسانی که الله و رسولش را آزار دهند، الله [تعالی] در دنیا و آخرت آنان را لعنت می کند [و رحمت خود را از آنان قطع می نماید] و برای آنها عذابی خوارکننده مهیا ساخته است * و کسانی که مردان و زنان مؤمن را بدون آن که مرتکب جرمی شده باشند، آزار دهند، دچار تهمت و گناهی آشکار شده اند).

کسانی که مؤمنان، دین الله تعالی و قوانین او را مسخره می کنند، هیچ ضرری به کسی نمی رسانند، مگر به خودشان و آن وقتی است که رازها آشکار می شود و پرونده های اعمال پخش می شود و آن مسخره کنندگان پشیمان می شوند و زمانی پشیمانی فرا می رسد. الله سبحانه می فرماید: ﴿وَبَدَأَ لَهُمْ سَيِّئَاتُ مَا كَسَبُوا وَحَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ﴾ [الزمر: ۴۸] (و برای آنها

بدی‌هایی را که کسب کرده بودند، آشکار می‌شود و آنچه را که مسخره می‌کردند، آنان را در بر می‌گیرد (عذاب جهنم)).

به مانند آن این سخن الله تعالی نیز می‌باشد: ﴿وَبَدَأَ لَهُمْ سَيِّئَاتُ مَا عَمِلُوا وَحَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ﴾ * وَقِيلَ الْيَوْمَ نَنسَاكُمْ كَمَا نَسِيتُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَذَا وَمَأْوَاكُمُ النَّارُ وَمَا لَكُم مِّنْ نَّاصِرِينَ * ذَلِكُمْ بِأَنكُم اتَّخَذْتُمْ آيَاتِ اللَّهِ هُزُوًا وَغَرَّتْكُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا فَالْيَوْمَ لَا يُخْرَجُونَ مِنْهَا وَلَا هُمْ يُسْتَغْتَبُونَ﴾ [الجمعة: ۳۳-۳۵] (و برای آنها بدی‌هایی که کسب کرده بودند، آشکار می‌شود و آنچه را که مسخره می‌کردند، آنان را در بر می‌گیرد (عذاب جهنم) * و گفته می‌شود: امروز شما را فراموش می‌کنم، همان گونه که دیدار امروزتان را فراموش کردید و جایگاه شما آتش جهنم است و برای شما یاری رسانی وجود ندارد * این برای آن است که آیات الله را سبک پنداشتید و زندگی پست دنیوی شما را فریب داد، پس امروز از [آتش]

بیرون نخواهید آمد و بازگشت و پشیمانی برای آنها وجود ندارد).

ششم: موضع گیری مسلمانان نسبت به مسخره کنندگان:

عده ی زیادی از مردم، مخصوصاً دعوتگران از این بلا شکایت می کنند، این همان امری است که در مسیر دعوت آنها وجود دارد. آنان می گویند: مردم آنها را مسخره می کنند و به شوخی می گیرند، پس چه کاری انجام دهیم و با آنان چگونه برخورد نماییم؟ جواب این سوال را خواهم داد و البته که توفیق از جانب الله تعالی می باشد. موضع گیری حقی که شایسته است تا مسلمان در برابر مسخره کنندگان آن را در پیش بگیرد، این موارد می باشد:

۱- صبر بر آزار دیدن در راه الله تعالی: صبر یکی از چیزهایی است که باعث ثواب بردن از دعوت می شود. دعوتی که صبر در آن وجود نداشته باشد، امیدی به نتیجه دادن آن وجود ندارد. الله تعالی با این سخن پیامبرش ﷺ را خطاب قرار

داده و می‌فرماید: ﴿تِلْكَ مِنْ أَنْبَاءِ الْغَيْبِ نُوحِيهَا إِلَيْكَ مَا كُنْتَ تَعْلَمُهَا أَنْتَ وَلَا قَوْمُكَ مِنْ قَبْلِ هَذَا فَاصْبِرْ إِنَّ الْعَاقِبَةَ لِلْمُتَّقِينَ﴾ [هود: ۴۹] (آن از اخبار غیبی است که به تو وحی می‌نمایم، آنها را تو و قومت قبل از این نمی‌دانستید، پس صبر نما که عاقبت برای متقیان است). الله تعالی ماجرای آنچه را که موسی عليه السلام به قومش گفته را بیان نموده و می‌فرماید: ﴿قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ اسْتَعِينُوا بِاللَّهِ وَاصْبِرُوا إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ * قَالُوا أَوْزَيْنَا مِنْ قَبْلِ أَنْ تَأْتِيَنَا وَمِنْ بَعْدِ مَا جِئْتَنَا قَالَ عَسَى رَبُّكُمْ أَنْ يُهْلِكَ عَدُوَّكُمْ وَيَسْتَخْلِفَكُمْ فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرَ كَيْفَ تَعْمَلُونَ﴾ [الأعراف: ۱۲۸-۱۲۹] (موسی به قومش گفت: از الله کمک بطلبید و صبر نمایید که زمین برای الله است و برای هر کدام از بندگان بخواید، آن را به ارث می‌گذارد (به این معنا که در آخر برای آنها می‌شود) و عاقبت برای متقیان است * گفتند: قبل از آن که نزد ما بیایی و بعد از آن که نزد ما آمدی، آزار دیدیم. گفت: امید است که پروردگارتان دشمن

شما را هلاک گرداند و شما را جانشینانی بر روی زمین قرار دهد و بنگرد که چگونه عمل می‌نمایید).

گریزی نیست که به همراه صبر باید توکل بر الله یکتا نیز وجود داشته باشد. الله سبحانه می‌فرماید: ﴿وَلَا تُطِيعِ الْكَافِرِينَ وَالْمُنَافِقِينَ وَدَعِ أَذَاهُمْ وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ وَكَفَى بِاللَّهِ وَكِيلًا﴾ [الأحزاب: ۴۸] (و از کافران و منافقان اطاعت نکن و از آزار آنها درگذر و بر الله توکل کن و الله برای پشتیبان بودن کافی است).

توکل بر الله سبحانه و اعتماد به او به صورت یکتا و اشتیاق داشتن به آنچه که نزد اوست به صورت یگانه، اصلی مهم برای کسی است که این راه را طی می‌کند. از قدیم گفته شده است: «با صبر و یقین است که امامت در دین حاصل می‌شود» [البته آیه‌ای در قرآن است که الله تعالی می‌فرماید: ﴿وَجَعَلْنَا مِنْهُمْ أَئِمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا لَمَّا صَبَرُوا وَكَانُوا بِآيَاتِنَا يُوقِنُونَ﴾ [السجدة: ۲۴] (و از آنها امامانی قرار دادیم که به امر ما هدایت می‌کردند و این برای آن بود که صبر نمودند و به آیات ما یقین داشتند)].

۲- عبرت گرفتن از کسانی که بهتر از ما بوده‌اند:
ماجرای پیامبران الله علیهم الصلاة والسلام را برای شما بیان نمودیم، همان کسانی که قوم آنها، آنان را مسخره می‌نمودند و آن را به دلیل اصل آن چیزی که برای آن فعالیت می‌کردند و برای آن فرستاده شده بودند، به شوخی می‌گرفتند. قوم نوح علیه السلام وی را مسخره می‌کردند و این در حالی بود که او [در بیابان] کشتی می‌ساخت و او را با زبان، اشاره، خندیدن و مسخره کردن آزار می‌دادند. این امر آنان نتیجه‌ای بر وی نداشت، مگر آن که راه خود را ادامه می‌داد و این در حالی بود که به وعده‌ی پروردگارش یقین داشت.

قوم لوط علیه السلام او و کسانی که همراه او ایمان آورده بودند را مسخره می‌کردند و پاکی آنان را مورد استهزاء قرار می‌دادند و می‌گفتند: ﴿إِنَّهُمْ أَنَاسٌ يَتَطَهَّرُونَ﴾ (آنان مردمی هستند که طلب پاک بودن، می‌کنند)، این کار آنها اثری بر وی نداشت، مگر ثابت قدم شدن در راه حق و یقین داشتن به امر الله تعالی و این که

پروردگارش سبحانه به او فرمود: ﴿إِنَّ مَوْعِدَهُمُ الصُّبْحُ أَلَيْسَ الصُّبْحُ بِقَرِيبٍ﴾ [هود: ۸۱] (وعده‌گاه [عذاب] آنها صبح است، آیا صبح نزدیک نمی‌باشد؟)، رسول الله ﷺ نیز مورد مسخره واقع شد و آن احمقان به شدیدترین شکل او را آزار دادند و الله تعالی او را مورد خطاب قرار داد و فرمود: ﴿وَلَقَدْ اسْتَهْزَيْ بِرُسُلٍ مِنْ قَبْلِكَ فَحَاقَ بِالَّذِينَ سَخِرُوا مِنْهُمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ﴾ [الأنعام: ۱۰، الأنبياء: ۴۱] (و همانا رسولان زیادی را قبل از تو مسخره نمودند و آنچه را که مسخره می‌کردند، و آن را به استهزاء می‌گرفتند، آنان را فرا گرفت).

الله تعالی می‌فرماید: ﴿وَلَقَدْ اسْتَهْزَيْ بِرُسُلٍ مِنْ قَبْلِكَ فَأَمْلَيْتُ لِلَّذِينَ كَفَرُوا ثُمَّ أَخَذْتُهُمْ فَكَيْفَ كَانَ عِقَابِ﴾ [الرعد: ۳۲] (و همانا رسولان زیادی قبل از تو را مسخره کردند و به کسانی که کفر می‌ورزیدند، فرصت دادیم، سپس آنان را [با عذاب خود] فراگرفتیم، پس مجازات چگونه خواهد بود؟).

۳- تمامی مؤمنان و مخصوصاً دعوت‌گران شایسته خطاب قرار گرفتن این سخن الله تعالی می‌باشند: ﴿وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا

وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ * إِنْ يَمْسَسْكُمْ قَرْحٌ فَقَدْ مَسَّ الْقَوْمَ قَرْحٌ مِثْلُهُ وَتِلْكَ الْأَيَّامُ نُدَاوِلُهَا بَيْنَ النَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَيَتَّخِذَ مِنْكُمْ شُهَدَاءَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ * وَلِيُمَحِّصَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَيَمْحَقَ الْكَافِرِينَ * أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تَدْخُلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا يَعْلَمِ اللَّهُ الَّذِينَ جَاهَدُوا مِنْكُمْ وَيَعْلَمَ الصَّابِرِينَ ﴿آل عمران: ۱۳۹ - ۱۴۲﴾ (و سستی نکنید و غمگین نشوید و شما برتر می باشید، [البته] اگر از مؤمنان باشید * اگر زخمی به شما رسیده است، به مانند این زخم به آن قوم [کافر] نیز رسیده است و این روزگاری است که بین انسانها دست به دست می‌کنیم تا الله [تعالی] مؤمنان را مشخص دارد و از بین شما شاهدانی را برگزیند و الله [متعال] ستمگران را دوست نمی‌دارد * تا الله کسانی را که ایمان آورده‌اند پاک گرداند و کافران را نابود سازد * آیا پنداشتید که داخل بهشت می‌شوید و الله [تعالی] افرادی از شما را که به خود سختی می‌دهند را مشخص نمی‌دارد و صبرکنندگان را مشخص نمی‌گرداند).

مؤمن سستی نکرده و غمگین نمی‌شود و چنین شخصی می‌داند که الله تعالی با توفیق دادنش و محکم کردنش و ثابت قدم گرداندنش، همراه او می‌باشد. پروردگار ما تعالی می‌فرماید: ﴿وَلَا يَحْزُنُكَ قَوْلُهُمْ إِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ﴾ [یونس: ۶۵] (و سخن آنان تو را غمگین نسازد، زیرا تمامی عزت در دست پروردگار است [و] او شنوای دانا می‌باشد).

مومن بالاترین منزلت، شرف، راه و مکانت را دارا می‌باشد، هنگام صبح از گروهی که شب را [با عبادت] به صبح رسانده‌اند ستایش می‌شود و هنگام مرگ گروهی که با تقوا عمر خود را سپری کرده‌اند، مورد ستایش واقع می‌شوند و در روزی که روز زیانکاری نام دارد، الله تعالی اهل مسخره کردن و پستی را خوار می‌گرداند.

۴- روی برگرداندن از مسخره کنندگان و همنشینی نکردن با آنها، الله تعالی می‌فرماید: ﴿وَإِذَا رَأَيْتَ الَّذِينَ يَخُوضُونَ فِي آيَاتِنَا فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ حَتَّى يَخُوضُوا فِي حَدِيثٍ غَيْرِهِ وَإِمَّا يُنسِيَنَّكَ الشَّيْطَانُ فَلَا تَقْعُدْ بَعْدَ الذِّكْرِى مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ *

وَمَا عَلَى الَّذِينَ يَتَّقُونَ مِنْ حِسَابِهِمْ مِنْ شَيْءٍ وَلَكِنْ ذِكْرِي
لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ * وَذَرِ الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَهُمْ لُغِبًا وَلَهُمْ غُرَّتُهُمْ
الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَذَكَرَ بِهِ أَنْ تَبْسَلَ نَفْسٌ بِمَا كَسَبَتْ لَيْسَ لَهَا مِنْ
دُونِ اللَّهِ وَلِيٌّ وَلَا شَفِيعٌ ﴿[الأنعام: ۶۸-۷۰]﴾ (و اگر کسانی را
دیدید که در آیات او [به ناحق] فرو می‌روند، از آنها روی
بگردان! تا آن که به سخنی دیگر مشغول شوند و اگر شیطان
باعث فراموشی تو شد، بعد از آن که یادت آمد، همراه قوم
ظالمان منشین! * حساب و کتاب آنها ذره‌ای بر متقیان نمی‌باشد،
ولی یادآوری [برای آنها می‌باشد] بلکه تقوا پیشه کنند * و
کسانی را که دینشان را بازیچه و بیهوده قرار می‌دهند و زندگی
پست دنیوی آنها را فریب داده است را رها کن! و آنان را به
روزی یادآور شو که [در آن] شخص به واسطه‌ی آنچه کسب
کرده است، هلاک می‌شود [و] به غیر از الله [تعالی] یاور و
شفاعت کننده‌ای ندارد).

الله تعالی برای همنشینی با آن مسخره کنندگان و بیهوده گویندگان تهدید آورده است و اگر از آنها دوری صورت نگیرد و با آنها همنشینی شود، انسان از آنها خواهد بود و به عذاب آنها گرفتار می شود. الله تعالی می فرماید: ﴿وَقَدْ نَزَّلَ عَلَيْكُمْ فِي الْكِتَابِ أَنْ إِذَا سَمِعْتُمْ آيَاتِ اللَّهِ يُكْفَرُ بِهَا وَيُسْتَهْزَأُ بِهَا فَلَا تَقْعُدُوا مَعَهُمْ حَتَّى يَخُوضُوا فِي حَدِيثٍ غَيْرِهِ إِنَّكُمْ إِذَا مِثْلَهُمْ إِنَّ اللَّهَ جَامِعُ الْمُنَافِقِينَ وَالْكَافِرِينَ فِي جَهَنَّمَ جَمِيعًا﴾ [النساء: ۱۴۰] (و همانا بر شما در کتاب نازل نمودیم که اگر شنیدید که به آیات الله کفر ورزیده می شود و آنها مورد مسخره قرار می گیرند، به همراه چنین افرادی نشینید تا آن که مشغول سخن دیگری شوند و اگر این گونه رفتار نمایید، شما نیز به مانند آنها خواهید بود. الله [تعالی] همگی منافقان و کافران را در جهنم جمع خواهد نمود).

متأسفانه در این باره تساهل و آسانگیری بیش از حدی وجود دارد و کسانی را می بینیم که از بین آن مسخره کنندگان دوستان، یاوران و همشینیانی را بر میگزینند و حتی از آنها دفاع می کنند

و در روی برگردانی آنها ذوب می شوند و به مانند آن است که این سخن الله تعالی را فراموش کرده اند: ﴿وَلَا تُجَادِلْ عَنِ الَّذِينَ يَخْتَانُونَ أَنْفُسَهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ مَنْ كَانَ خَوَّانًا أَثِيمًا﴾ [النساء: ۱۰۷] (و از کسانی دفاع نکن که به خودشان خیانت می کنند، [زیرا] الله [تعالی] هر خیانت پیشه ی بسیار گناهکاری را دوست نمی دارد).

همچنین می فرماید: ﴿وَلَا تَكُنْ لِلْخَائِنِينَ خَصِيمًا﴾ [النساء: ۱۰۵] (و مدافع خیانتکاران مباش!).

بر اهل حق و یقین واجب است تا خود را از همنشین با این مسخره کنندگان و بیهوده گویندگان باز دارند تا از روی رضایتمندی پروردگار جهانیان رستگار شوند و در آخرت زیر پرچم سرور رسولان محشور شوند.

۵- آشکار کردن حق از روی اقتدا نمودن به رسول ﷺ
او ﷺ بسیار زیاد مورد مسخره کردن واقع شد. الله تعالی به او فرمود: ﴿فَاذْعُ بِمَا تُؤْمَرُ وَأَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكِينَ﴾ * إِنَّا

كَفَيْنَاكَ الْمُسْتَهْزِئِينَ» [الحجر: ۹۴-۹۵] (پس آنچه را که به آن امر شده‌ای آشکار گردان و از مشرکان روی بگردان! * ما برای تو در برابر مسخره کنندگان کافی می‌باشیم)، آیا قریش به رسول الله ﷺ نمی‌گفتند: ﴿وَقَالُوا يَا أَيُّهَا الَّذِي نُزِّلَ عَلَيْهِ الذِّكْرُ إِنَّكَ لَمَجْنُونٌ * لَوْ مَا تَأْتِينَا بِالْمَلَائِكَةِ إِن كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ﴾ [الحجر: ۶-۷] (و گفتند: ای کسی که پند بر او نازل شده است، همانا تو دیوانه و جن‌زده می‌باشی * اگر از راستگویان هستی، پس ملائک را برای ما بیاور!).

آیا نگاه‌های آنها سوزان و کینه‌ورزانه و مسخره کننده نبود؟ و در هر مکانی بر پیامبر ﷺ وارد نمی‌شدند: ﴿وَإِنْ يَكَادُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَيُزْلِقُونَكَ بِأَبْصَارِهِمْ لَمَّا سَمِعُوا الذِّكْرَ وَيَقُولُونَ إِنَّهُ لَمَجْنُونٌ * وَمَا هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ﴾ [القلم ۵۱-۵۲] (و کسانی که کفر می‌ورزند وقتی پند را می‌شنوند، نزدیک است که با چشمهایشان تو را باز دارند و می‌گویند که او دیوانه و جن‌زده می‌باشد * و آن چیزی نیست مگر یادآوری برای جهانیان).

تمام این موارد بر پیامبر ﷺ وارد شد، ولی اتفاقی نیافتاد مگر آن که راه حق را پیمود [و از آن منحرف نشد]. کسانی که در پی دعوت می‌روند و این در حالی است که سخنی از روی مسخره و عیب جوئی آنها را از این کار باز می‌دارد، اهل این چنین دعوتی نمی‌باشند. ایمان فقط سخنی نیست که به زبان بیاید و همین قدر کافی باشد، بلکه آن حقیقتی بزرگ است که شامل تکالیف، امانتداری، بارهای گران و جهاد می‌باشد. در نتیجه کسی که مسخره کردنی او را باز بدارد یا کوشش او را ضعیف نماید، باید راه را رها کند و امر را برای کسی باقی بگذارد که اهل آن و در رتبه‌ی آن می‌باشد.

عجیب در اینجا عمل اهل باطل و دعوتگران به سوی گمراهی می‌باشد. در مسیر حرکت باطل آنها هر گرده‌ای که وجود داشته باشد، آنها را در حالتی می‌یابید که از ابتدا ثابت قدم می‌باشند و بر آن اصرار و پافشاری می‌کنند و این در حالی است که بعضی مسلمانان ضعیف الایمان از روی عیب جوئی دیگران

یا سخنی نیش‌دار یا مسخره‌کردنی گستاخ‌گونه از امور دینی عقب‌نشینی می‌کنند. خدایا از کوشش گناهکاران و ناتوانی متقیان نزد تو شکایت می‌نمایم.

اگر در اوضاع دعوت‌گری از دعوت‌گران عصرهای اخیر تأمل نمایم که همان شیخ محمد تمیمی رحمه الله می‌باشد و تاریخ زندگی او را بخوانیم، می‌بینیم که چه سختی‌های زیادی به او رسید و چه بسیار مورد استهزاء قرار گرفت؛ به او خندیدند و مردم را از اطراف او دور کردند و بر او افترا بستند؛ ولی به مانند کوه‌ها محکم ایستاد و در نتیجه‌ی آن یاری شدن و پیروزی بر دشمنانش و قدرت یافتن بر روی زمین، برای وی حاصل شد.

هفتم: درمان مسخره کردن:

همانا برای درمان هر بیماری، دارویی وجود دارد و همچنین مسخره کردن از بیماری‌های خطرناک و بلکه از گناهان کبیره می‌باشد. گاهی باعث می‌شود تا مسلمان از دینش مرتد شود و در زمره‌ی کافران قرار بگیرد. پناه بر الله!

در اینجا مسائلی را مطرح می‌کنیم که از روی فضل الله تعالی باعث خودداری از این اخلاق پست می‌شود:

۱- دانستن این که مسخره کردن از گناهان کبیره می‌باشد. حتی یک کلمه ممکن است کافی باشد تا شخص را از دین اسلام خارج گرداند.

۲- مراقبه‌ی زبان [به معنای آن که چه در وقت مسخره کردن و چه در غیر آن در حالتی خود را قرار دهیم که بدانیم که الله تعالی از سخنی که بر زبان ما می‌آید، آگاه است]: نباید آن را در هر حالتی آزاد گذاشت و دائماً باید آن را مورد حساب و کتاب قرار داد. زیرا آن اسلحه‌ای می‌باشد که اگر در کار خیر از آن استفاده شود، استفاده از آن خیر است و اگر در کار شرّ از آن استفاده شود، چیز شرّی می‌باشد.

۳- دوری کردن در حد امکان از مجالس خنده و بیهوده گویی، همان جاهایی وجود دارد که در آنها نفعی برای انسان وجود ندارد و باید آنها را با مجالس یاد الله تعالی و خیر عوض نمود.

۴- بزرگداشت این دین که این مورد از مهمترین وسایل می باشد و اصل این گونه است که وقتی چیزی مورد بزرگداشت واقع می شود، به آن اهمیت بیشتری داده می شود.

۵- آشنا کردن مردم با حکم مسخره کردن در دین و بیان خطرات آن و این که این امر سبب بزرگی بر کافر شدن مسلمان و ارتداد او می باشد.

دع عنک ذکر فلانة وفلان	واجنب لما یلهی عن الرحمن
یاد آور شدن فلان مرد و	و از چیزی که تو را از خداوند
فلان زن را رها کن.	رحمان غافل می سازد،
	خودداری کن!

واعلم بأن الموت یأتی بغتة	و جميع ما فوق البسیطة فان
بدان که مرگ ناگهان فرا	و تمامی آنچه بر روی زمین
می رسد.	است فنا شدنی می باشد.

فإلى متى تلهو وقلبك غافل عن ذكر يوم الحشر والميزان
تا چه زمانی بازی می‌کنی و [غافل است] از یاد روز قیامت
قلبت غافل است. و ترازوی اعمال [در آن روز].

وآخر دعوانا أن الحمد لله رب العالمين، صلى الله على نبينا
محمد خير الأنبياء والمرسلين.